

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پیه اسکوبار
برگردان: ابوالقاسم گلستانی
ویراستاری و ارسال: موسوی
۰۴ نومبر ۲۰۲۳

دام "ایران - روسیه" برای غرب در فلسطین



تنها کشوری که احتمالاً می‌تواند فکر غرب را از اوکراین منحرف کند، اسرائیل است. اما ایالات متحده و متحدانش اگر فکر کنند پیروزی در غرب آسیا آسانتر از اروپا خواهد بود، وارد یک دام وجودی می‌شوند. شراکت ستراتیژیک روسیه و ایران – به انضمام چین در جناحین – یک دام پیچیده برای هژمون (امریکا) در غرب آسیا ایجاد می‌کند. به جز اسرائیل، هیچ موجودی در این سیاره وجود ندارد که بتواند فوراً تمرکز غرب را از ناکامی تماشائی اش در اوکراین تغییر دهد. جنگ‌افروزان مسؤل در سیاست خارجی ایالات متحده، نه دقیقاً نیروهای بیسمارکی، بر این باورند که اگر پروژه اوکراین دست نیافتنی باشد، پروژه راهل نهائی در فلسطین در عوض می‌تواند پاکسازی قومی باشد.

سناریوی محتمل‌تر اما این است که ایران - روسیه، و [به قولی] «محور شرارت» جدید یعنی روسیه - چین - ایران، تمام آنچه را که لازم است هژمون را به باتلاق دوم بکشانند، در اختیار دارند. همه چیز به تلنگرهای نامتعارف دشمن برای به هم زدن تعادل و منحرف کردن او به سمت فراموشی خلاصه می‌شود.

این تفکر واهی کاخ سفید مبنی بر این که جنگ‌های ابدی در اوکراین و اسرائیل با همان انگیزه والای «دموکراسی» برای منافع ملی ایالات متحده ضروری است، تاکنون – حتی در میان افکار عمومی امریکا – نتیجه معکوس داشته است. این مانع از فریادها و زمزمه‌هایی در امتداد «کمر بند» نمی‌شود که نشان می‌دهد نومحافظه کاران امریکائی متحد

اسرائیل، سرعت تحریک ایران را از طریق یک پرچم دروغین که منجر به حمله آمریکا می‌شود، افزایش می‌دهند. آن سناریوی آخرالزمانی، کاملاً با روان‌پزشی از نوع کتاب مقدسی بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل، همخوانی دارد. غلامان مجبور خواهند شد با ملایمت از آنها پیروی کنند. سران کشورهای ناتو برای نشان دادن حمایت بی‌قید و شرط خود از تل‌آویب یک به یک از اسرائیل بازدید به عمل می‌آورند — از جمله کیریاکوس میتسوتاکیس از یونان، جورجیا ملونی از ایتالیا، ریشی سوناک از بریتانیا، اولاف شولتز از آلمان، ساکن کاخ سفید [جو بایدن] و امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه.

انتقام «قرن ذلت» اعراب

جنبش مقاومت حزب‌الله لبنان تا کنون با نپذیرفتن هیچ طعمه‌ای خویش‌داری فوق‌العاده نشان داده است. حزب‌الله مقاومت فلسطین را به عنوان یک مجموعه می‌بیند و از آن حمایت می‌کند — و تا چند سال پیش، مشکلات جدی با حماس داشت که با آن در سوریه درگیر شد. اتفاقاً حماس، در حالی که بخشی از بودجه آن توسط ایران تأمین می‌شود، توسط ایران اداره نمی‌شود. به همان اندازه که تهران از آرمان فلسطین حمایت می‌کند، گروه‌های مقاومت فلسطین نیز تصمیمات خود را مستقل می‌گیرند.

خبر بزرگ این است که همه این اختلافات اکنون در حال حل شدن هستند. هم حماس و هم جهاد اسلامی فلسطین این هفته برای دیدار حضوری با دبیر کل حزب‌الله، حسن نصرالله، به لبنان رفتند. این نشان دهنده وحدت بر روی هدف است — یا آنچه که محور مقاومت منطقه آن را «وحدت جبهه‌ها» می‌نامد.

دیدار حماس از مسکو در این هفته که با خشم نومیدانه اسرائیلی‌ها مواجه شد، توجهات را بیشتر جلب کرد. ریاست هیأت حماس را یکی از اعضای دفتر سیاسی آن، ابومرزوق، بر عهده داشت. علی باقری معاون وزیر امور خارجه ایران به شکل با اهمیتی از تهران ورود کرد و با دو تن از معاونان کلیدی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، یعنی سرگئی ریابکوف و میخائیل گالوزین، دیدار کرد. این نشان می‌دهد که حماس، ایران و روسیه در یک میز مذاکره کرده‌اند. حماس از میلیون‌ها فلسطینی در دیاسپورا و همچنین از کل جهان عرب و همه سرزمین‌های اسلامی خواسته است تا با هم متحد شوند. به تدریج اما به یقین، الگوئی را می‌توان تشخیص داد: آیا جهان عرب — و بخش‌های بزرگ اسلام — ممکن است در آستانه اتحاد قابل توجهی برای انتقام از «قرن تحقیر» خود باشند — همان کاری که چینی‌ها پس از جنگ جهانی دوم با مائوتسه تونگ و دنگ سیائوپینگ کردند؟

بیجینگ، از طریق دیپلماسی پیچیده خود، مطمئناً این تجربه چین را به بازیگران کلیدی گوشزد کرده است، حتی پیش از آن که روابط بین ایران و عربستان با میانجیگری روسیه و چین در اوایل سال جاری ایجاد شود.

این به خودی خود وسواس همیشگی نئومحافظه‌کاران آمریکا برای بمباران زیرساخت‌های حیاتی ایران را از بین نمی‌برد. این نئومحافظه‌کاران که به هیچ هم نمی‌ارزند، وقتی صحبت از علوم نظامی می‌شود، نادیده می‌گیرند که چگونه تلافی‌جویی ایران — به شکل دقیق — تک‌تک پایگاه‌های آمریکا در عراق و سوریه را هدف قرار می‌دهد، در حالی که خلیج فارس یک پرونده باز است. آندری مارتیانوف، تحلیلگر نظامی بی‌ظن روسیه نشان داده است که در صورت حمله اسرائیل به ایران، چه اتفاقی می‌تواند برای آن وانهای آهنی گران‌قیمت امریکائی در شرق مدیترانه بیفتد.

افزون بر این، دست کم ۱۰۰۰ نیروی امریکائی در شمال سوریه حضور دارند که سرگرم دزدیدن نفت این کشور هستند — نیروهائی که به یک هدف فوری نیز تبدیل می‌شوند. علی فدوی، جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران، در لفافه گفت: ما در حوزه نظامی فناوری هائی داریم که هیچ کس از آن اطلاعی ندارد و امریکائی‌ها زمانی متوجه آن می‌شوند

که از آنها استفاده کنیم. نشانه‌ای از راکت های مافوق صوت «فتاح» ایرانی – پسر عموهای کینزال و «دی.اف-۲۷» – با سرعت ۱۵ ماخ حرکت می‌کنند و می‌توانند در ۴۰۰ ثانیه به هر هدفی در اسرائیل برسند. و جنگ افزار الکترونیک پیچیده روسیه (ای. دابلو) را نیز به آن بیفزائید. همانطور که شش ماه پیش در مسکو تأیید شد، وقتی صحبت از پیوند نظامی به میان آمد، ایرانی‌ها سر یک میز به روس‌ها گفتند: «هر چه نیاز دارید، درخواست کنید». عکس این هم صادق است، زیرا دشمن مشترک یکی است.

همه چیز برمی‌گردد به تنگه هرمز

موضوع مرکزی در هر ستراتیژی روسیه و ایران، تنگه هرمز است که از طریق آن حداقل ۲۰ درصد نفت جهان (نزدیک به ۱۷ میلیون بشکه در روز) ترانزیت می‌شود، به اضافه ۱۸ درصد گاز طبیعی مایع (ال.ان.جی.) که می‌شود دست کم ۳.۵ میلیارد فوت مکعب در روز. ایران می‌تواند تنگه هرمز را در یک چشم به هم زدن ببندد. برای شروع، این یک نوع عدالت شاعرانه در حق اسرائیل است که قصد دارد به طور غیرقانونی تمام گاز طبیعی چند میلیارد دلاری کشف شده در سواحل غزه را ببلعد: از قضا این یکی از دلایل کاملاً کلیدی برای پاکسازی قومی فلسطین است. با این حال، معامله واقعی ساقط کردن ساختار مشتتة ۶۱۸ تریلیون دلاری مهندسی شده وال استریت [۱] خواهد بود، همان گونه که برای سال ها توسط تحلیلگران گلدمن ساکس و جی پی مورگان و همچنین معامله گران مستقل انرژی خلیج فارس مورد تصدیق قرار گرفته است.

بنابراین، وقتی زمان وارد کردن فشار فرا برسد – و بسیار فراتر از دفاع از فلسطین و در سناریوی «جنگ توتال» – نه تنها روسیه - ایران، بلکه بازیگران کلیدی جهان عرب در شرف عضویت در بریکس ۱۱، مانند عربستان سعودی و امارات – هر زمان که بخواهند، آنچه را که برای ساقط کردن سیستم مالی ایالات متحده لازم باشد، در اختیار دارند. همانگونه که یک عضو ارشد پیشین «دولت پنهان» امریکا که اکنون در اروپای مرکزی مشغول تجارت است، تأکید می‌کند:

«ملت‌های اسلامی دارای مزیت اقتصادی هستند. آنها می‌توانند با قطع نفت، سیستم مالی بین المللی را از کار بیندازند. آنها مجبور نیستند حتی یک گلوله شلیک کنند. ایران و عربستان با هم متحد هستند. حل بحران ۲۰۰۸، ۲۹ تریلیون دالر هزینه بُرد، اما بحران بعدی، اگر اتفاق بیفتد، حتی با ۱۰۰ تریلیون دالر ابزار بی پشتوانه نیز قابل حل نیست.» همانگونه که تاجران خلیج فارس به من گفتند، یک سناریوی ممکن این است که اوپک شروع به تحریم اروپا کند؛ تحریمی که ممکن است از کویت شروع شود و سپس از یک کشور اوپک به کشور دیگر و از آنجا به همه کشورهای که با جهان اسلام به عنوان دشمن و علوفه جنگ رفتار می‌کنند، گسترش یابد.

محمد السودانی، نخست وزیر عراق، پیش از این هشدار داده بود که ممکن است به دلیل آنچه اسرائیل در غزه انجام می‌دهد، عرضه نفت به بازارهای غربی متوقف شود. حسین امیرعبدالللهیان، وزیر امور خارجه ایران، پیش از این خواستار تحریم کامل نفت و گاز از سوی کشورهای اسلامی علیه کشورهای – اساساً دست‌نشانندگان ناتو – شد که از [بمباران غزه توسط] اسرائیل حمایت کرده‌اند.

بنابراین صهیونیست‌های مسیحی در ایالات متحده که با مهره ارزشمند نئوکانهایی یعنی نتانیاهاو متحدند و ایران را تهدید به حمله می‌کنند، این پتانسیل را دارند که سبب سقوط کل سیستم مالی جهان شوند.

شعله‌ور کردن مجدد آتش جنگ ابدی علیه سوریه

زیر آتشفشان کنونی، مشارکت ستراتیژیک روسیه و چین بسیار محتاطانه پیش رفته است. برای جهان بیرون، موضع رسمی متقابل آنها این است که از جانبداری از فلسطین یا اسرائیل اجتناب کنند؛ خواستار آتش بس به دلایل بشردوستانه بشوند؛ راه حل دو دولتی را درخواست کنند؛ و به قوانین بین المللی احترام بگذارند. هژمون [ایالات متحده] تمام ابتکارات آنها را در سازمان ملل طبق برنامه بی اثر کرده است. فعلاً، واشنگتن برای تهاجم زمینی اسرائیل به غزه چراغ سبز نشان نداده است. دلیل اصلی اولویت فوری ایالات متحده است: خرید مقداری زمان برای گسترش جنگ به سوریه، که به عنوان نقطه ترانزیت کلیدی تسلیحات ایران به حزب الله «متهم» است. این به مثابه بازگشایی همان جبهه جنگ قدیمی علیه روسیه نیز است. در مسکو هیچ توهمی وجود ندارد. دستگاه اطلاعاتی آنها به خوبی واقف است که در زمانی که تل ابیب تحت فشار جدی امریکا به اوکراین سلاح می‌فرستاد، عوامل اسرائیلی موساد به کنیف مشاوری می‌دادند. این موجب خشم «سیلوویکی» [۲] شد و احتمالاً یک اشتباه مرگبار برای اسرائیل رقم زد.

نئوکان ها به نوبه خود هرگز متوقف نمی شوند. آنها تهدیدی موازی را پیش می‌برند: اگر حزب الله با چیزی غیر از چند راکت پراکنده به اسرائیل حمله کند - و این به سادگی اتفاق نخواهد افتاد - پایگاه هوایی روسیه حمیمیم در لاذقیه به عنوان یک «هشدار» برای ایران «حذف» خواهد شد. این حتی ارزش بازی کودکان در جعبه شنی را ندارد. به گفته برخی منابع اطلاعاتی روسی، پس از حملات سریالی اسرائیل به فرودگاه‌های غیرنظامی دمشق و حلب، مسکو قبل از تقدیم امکانات خود در حمیمیم به سوریه - جایی که پروازهای باری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران مجوز کامل دارند - حتی پلک هم نزد نتانیاهو با بمباران یک پایگاه هوایی روسیه که به‌طور کامل مجهز به سیستم ضد دسترسی است، آرزوی مرگ نخواهد کرد. مسکو همچنین به طور واضح می‌بیند که آن وانهای آهنی گران‌قیمت امریکائی در شرق مدیترانه در چه حد می‌توانند باشند. پاسخ سریع بوده است: جنگنده های «میگ - ۳۱ ک» که در حال گشت زنی ۲۴ ساعته در فضای بی طرف بر فراز بحیره سیاه هستند، به کینزال مافوق صوت مجهزند و رسیدن آنها به بحیره مدیترانه تنها ۶ دقیقه زمان نیاز دارد.

در میان این همه جنون نئوکانها، همراه با استقرار مجموعه عظیمی از تسلیحات که پنتاگون به کار گرفته، به علاوه دارائی‌های «فاش نشده» آنها در شرق مدیترانه، هدف خواه حزب‌الله باشد یا سوریه یا ایران یا روسیه یا همه این موارد، به انضمام چین و کوریای شمالی - که بخشی از «محور شرارت» جدید معرفی شده توسط امریکا به شمار می‌آیند - حاکی از آن بوده اند که آنها تماشاچیان صرف نخواهند بود.

نیروی بحری چین برای تمام اهداف عملی از ایران از راه دور محافظت می‌کند. با این حال، اظهارات نخست وزیر لی کیانگ حتی قوی تر از آن بوده است - چیزی که در دیپلماسی چین به شکل غیرمعمولی صریح و نادر است:

چین به حمایت قاطع از ایران در حفظ حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و کرامت ملی خود ادامه خواهد داد و به شدت با هرگونه دخالت نیروهای خارجی در امور داخلی ایران مقابله خواهد کرد.

هرگز فراموش نکنید که چین و ایران با یک مشارکت ستراتیژیک جامع با هم مرتبط هستند. ضمناً، میخائیل میروشوستین، نخست وزیر روسیه، در دیدار با معاون اول رئیس جمهور ایران، محمد مخبر، شراکت ستراتیژیک روسیه و ایران را تقویت کرد.

آن برنج‌خواران کوریایی را به‌خاطر داشته باش

شبه‌نظامیان طرفدار ایران در سراسر «محور مقاومت»، به طور دقیق درجه ای از تقابل با اسرائیل، چیزی شبیه به ضربه و فرار چریکی، را حفظ می‌کنند. آنها فعلاً درگیر حملات گسترده نخواهند شد. اما همه شرط بندیها بی‌نتیجه

خواهد بود اگر اسرائیل به غزه حمله کند. آشکار است که جهان عرب، با وجود تمام تضادهای داخلی عظیم خود، قتل‌عام غیرنظامیان را تحمل نخواهد کرد.

بی‌پرده بگوئیم، در برهه‌ی آتش افروزانه‌ی کنونی، هژمون از تحقیر پروژه‌ی اوکراین خویش نتیجه‌ای گرفته است. آنها به اشتباه بر این باورند که همان «جنگ ابدی» قدیمی که در غرب آسیا دوباره شعله‌ور شده، می‌تواند به میل خود «تعدیل» شود. و اگر دو جنگ به یک آلباتروس [۳] سیاسی عظیم تبدیل شوند، چه چیز جدیدی وجود دارد؟ آنها جنگ جدیدی را در «ایندو - پاسیفیک» آغاز خواهند کرد.

هیچ یک از این‌ها روسیه - ایران و نظارت سردشان بر هژمون در حال چرخش و بال زدن در هر گام را فریب نمی‌دهد. یادآوری آنچه مالکوم ایکس قبلاً در سال ۱۹۶۴ پیش‌بینی می‌کرد، روشنگرانه است:

تعدادی برنج خوار او را از کوریا خارج کردند. بله، آنها او را از کوریا خارج کردند. برنج خوارانی که چیزی جز کفش ورزشگاهی و تفنگ و کاسه‌ای برنج نداشتند، او و تانک‌ها و ناپالمش و تمام چیزهای دیگری را که او قرار بود داشته باشد، بردند و او را از رود یالو عبور دادند. چرا؟ زیرا روزی که او بتواند در زمین مسابقه پیروز شود، سپری شده است.

افزوده های مترجم:

[۱] اصطلاح «وال استریت» به معنای بازارهای مالی ایالات متحده به عنوان یک کل، صنعت خدمات مالی امریکا، منافع مالی مبتنی بر نیویورک یا خود منطقه مالی تبدیل شده است. نیویورک که توسط وال استریت لنگر انداخته است به عنوان مرکز مالی اصلی جهان توصیف شده است.

[۲] معمولاً شامل افسران «کابگب» سابق، اداره اصلی اطلاعات، سرویس امنیت فدرال روسیه، سرویس اطلاعات خارجی، یا دیگر نیروهای مسلح می‌شود. در روسیه تعدادی سازمان امنیتی و اجرائی قانون وجود دارد که به آنها «سیلوویکی» می‌گویند. خود ولادیمیر پوتین کارش را در یکی از آنها آغاز کرد. در حالی که کابگب در دوران پسا شوروی به سرویس امنیت فدرال روسیه تبدیل شد، نفوذ «سیلوویکی» نیز از زمان روی کار آمدن پوتین در حال افزایش بوده است.

[۳] آلباتروس‌ها بزرگترین پرنده‌های دریایی هستند که با داشتن طول بال بیش از ۳٫۷ متر و فوق‌العاده قوی می‌توانند مدت زیادی بدون بال زدن پرواز کنند. آلباتروس می‌تواند سال‌ها پرواز کند. در تمام عمرش یک جفت برای خود انتخاب می‌کند و تا انتهای زندگی‌اش با همان جفت سر می‌کند و اگر جفتش زودتر بمیرد، او هیچ‌گاه جفت دیگری انتخاب نمی‌کند و بقیه عمرش را تنها سپری می‌کند. تشبیه چیزی به آلباتروس معمولاً بدین معنی است که آن چیز به وبال گردن بدل شده است.

<https://new.thecradle.co/articles/iran-russia-hamas-officials-discuss-g...>

برگرفته از: وبسایت «کریدل»

منتشر شده در تاریخ: ۲۷ اکتوبر ۲۰۲۳